

نداء الله از شطر عکا مرتفع و میفرماید طوبی از برای نفوسیکه الی الله توجه ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



رقم (23) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اقتدارات - صفحه 259
- 262

(23)

بنام خداوند یگنا

نداء الله از شطر عکا مرتفع و میفرماید طوبی از برای نفوسیکه الی الله توجه نموده اند و ندای الهی را بگوش سر و سر اصغا کرده اند آن نفوس از اهل منظر اکبرند و از شاربان رحیق اطهر مخصوص نفوسیکه در این ایام که ظلمت اوهام اکثر انام را اخذ نموده از توجه بشطر احدیه ممنوع نشده اند اینست که لم یزل و لایزال مظاهر قبلم ذکر این نفوسرا در الواح فرموده اند در این فتنه مشاهده میشود که مقبلین خالص اقل از کبریت احمرند اگر عباد لذت ندای الهی را ادراک مینمودند و بعظمت محل نزول کله پی میبردند جمیع یحجاب بشطر رب الارباب توجه مینمودند لم یزل و لایزال بر مظاهر الهیه ظلم لایزالی از مطالع فرعونیه وارد و با کمال قدرت و اقتدار جمیع را تحمل میفرمودند که شاید نفوسی چند از کدورات ظنون و اوهام مقدس شده بمعارض عز احدیه عروج نمایند مع آنکه جمیع مشاهده مینمودند که آن مصادر امریه مخصوص نجات بریه تحمل شدآند مینمایند فعلوا ما فعلوا الا لعنة الله علی القوم الظالمین کل عالمند باینکه دنیا را بقا نیست و اذا جاء رسول الموت لا یحجبه حجاب حاجب و لا یمنعه قدرة قادر و لایرده سطوة ظالم با علم و ایقان به این مقام در این ایام معدوده که معلوم



ORIGINAL

نیست که یوم دیگر فوق ترابد یا تحت آن کل در سبیل نفس و هوی سالک و از حق جل و علا غافل و بگان
 خود اراده نموده اند که سراج الله را بین ما سویه اطفا نمایند و سدره الله را از اثمار جنیه قدسیه منع کنند این
 مثل آنست که قطره ملح اجاج با بحر عذب موج مقابله نماید و در دفع آن برآید هل منعت شمس الحجاز من
 سبحات اهل الحجاز؟ تالله قد شقت انامل القضاء الحجاب الذی حال و اشرق عن افق الاجلال لم یزل صاحبان
 حکم ظاهر ناس را از توجه بشرط احدیه منع نموده اند و اجتماع عباد را بر بحر اعظم دوست نداشته اند چه که
 این اجتماع را سبب و علت تفریق اسباب سلطنت دانسته و میدانند و حال آنکه فوالذی زمام کل شیء فی
 قبضة قدرته که نظر احبای حق لا زال مقدس از توجه باین امور بوده و خواهد بود این امور را هم مفسدین
 انتشار داده اند و حال اکثری را توهم چنان که اینعبد اراده حکومت کلیه در ارض دارد مع آنکه در جمیع
 الواح عباد را از قبول این رتبه منع نموده ایم چه که جز زحمت و ابتلاء حاصلی نداشته مگر آنکه نفسی لله قبول
 این امر کند که نصرت امر الله نماید ملوک مظاهر قدرت الهیه اند و آنچه مقصود است عدالت ایشانست اگر
 بآن ناظر باشند بحق منسوبند زود است که حجاب خرق شود و تجلی اسماء و صفات اکثری از عباد را اخذ
 نماید و کل بتقدیس و تنزیه مقربان بارگاه حق شهادت دهند تا چه رسد بنفسه تعالی نسل الله ان یوفق عباده و
 یؤیدهم علی حبه و رضائه و یفتح عیونهم لیروه و یعرفوه و لا یمنعهم عن هذه الشمس التي اشرقت و عن هذه
 السماء التي ارتفعت و عن هذه النعمة التي نزلت و عن هذا السراج الذی اشرقت الارض بنوره انه علی کل شیء
 قدیر و اما ما رأیته فی النوم انه حق لا ریب فیہ و الامر کما رأیت سوف یظهر الله من هذا الافق نورا و قدرة و
 بهما تظلم الشمس و تحو آثار من استکبر علی الله و تستضیء و جوه المخلصین و سوف تحیط انوار وجه ربک من
 علی الارض انه علی کل شیء قدیر اگر چه بتفصیل ذکر نشد و لکن بآنچه از مصدر امر نازل مقصود مفهوم
 نفس نوم تعبیرش ظاهر است یعرفه کل فطن بصیر